

## نقش حس انسجام فردی و ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در احساس امنیت عمومی شهروندان

قدرت اله عباسی<sup>۱</sup>، علیرضا حمیدی<sup>۲</sup>

از صفحه ۱۴۳ تا ۱۶۹

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۷

### چکیده

امنیت یکی از بارزترین وجوه بالندگی یک جامعه و زمینه‌ساز رشد، توسعه و ثبات آن محسوب می‌گردد. با توجه به اهمیت احساس امنیت بر ثبات اجتماعی و تمامی جنبه‌های زندگی افراد، بررسی آن از دیدگاه روان‌شناختی بسیار حائز اهمیت است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش عوامل روان‌شناختی حس انسجام فردی و نیازهای بنیادین روان‌شناختی در احساس امنیت عمومی شهروندان بود. روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی شهروندان شهر ساری بود که از این میان تعداد ۳۰۵ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های حس انسجام فردی، نیازهای بنیادی روان‌شناختی و احساس امنیت عمومی جمع‌آوری شد. پایایی و روایی ابزارهای فوق‌رضایت بخش بودند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه و با استفاده از نرم‌افزار SPSS-۲۱ انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که بین متغیرهای حس انسجام فردی و نیازهای بنیادی روان‌شناختی با احساس امنیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و این که این متغیرها به طور معنی‌داری پیش‌بینی‌کننده احساس امنیت می‌باشند. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که دارا بودن ویژگی‌هایی روان‌شناختی مانند حس انسجام فردی و ارضای نیازهای بنیادی روان‌شناختی در افراد می‌تواند احساس امنیت را به طور مثبتی تحت تأثیر قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: حس انسجام فردی، نیازهای بنیادی روان‌شناختی، احساس امنیت عمومی.

۱. دکترای گروه روان‌شناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. نویسنده مسئول. gh\_abbasi@iausari.ac.ir

۲. دکترای امنیت و مدیرکل اداره مشاوره و مددکاری ناجا.



امنیت یکی از بارزترین وجوه بالندگی یک جامعه و زمینه ساز رشد، توسعه و ثبات آن محسوب می گردد و اهمیت آن در زندگی اجتماعی انسان ها به اندازه ای است که در صورت فقدان احساس امنیت، انسان ها در روابط اجتماعی خود با دیگران دچار شك و تردید می شوند و از برقراری روابط اجتماعی با دیگران پرهیز می کنند. بر اثر تداوم چنین شرایطی، سرمایه اجتماعی روبه زوال می رود و در درازمدت پیامدهای منفی بسیاری بر جامعه انسانی می گذارد (احمدی، ۱۳۹۱). احساس امنیت عبارت از نوعی ذهنیت و جهت گیری روانی مثبت (رضایت بخش، قانع کننده و آرام بخش) شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی در شرایط فعلی و آتی، در حوزه های امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی یکپارچه و امنیت سرزمینی می باشد (رحیمی، ۱۳۸۷). احساس امنیت در امان بودن یا در امان حس کردن جان و مال و ارزش های خود از تهدید، صدمه، آسیب و نبود دغدغه تأمین نیازهای معقول حال و آینده هست (تاجبخش، جوانمرد و طرفی، ۱۳۹۲). تکاپو برای رسیدن به امنیت از مهم ترین انگیزه های انسان درازای زندگی اوست. بدون وجود امنیت، امکان توسعه در هیچ زمینه ای وجود نخواهد داشت. در واقع، زمانی استعدادهای متنوع و متکثر افراد جامعه می تواند به فعلیت برسد که امنیت در آن جامعه وجود داشته باشد. انسان ایمن، سرشار از انگیزه است و برای هرگونه پیشرفت به ویژه کمال جویی، مستعد و مهیا می باشد (رجبی پور، ۱۳۸۴). احساس امنیت عمومی را می توان از دیدگاه های زیادی مورد بررسی قرار داد؛ اما سؤالی که این تحقیق به دنبال پاسخ گویی به آن بوده و تاکنون در مورد آن بررسی جدی به عمل نیامده این است که در بین عوامل متعدد و مؤثر بر احساس امنیت عمومی، عوامل روان شناختی چه نقشی دارند؟ و کدام عامل روان شناختی در احساس امنیت عمومی نقش مهمی دارد؟

## بیان مسئله

احساس امنیت پدیده ای روان شناختی - اجتماعی است (حمیدی فر و عباسی، ۱۳۹۵). از دیدگاه روان شناختی عوامل زیادی می توانند بر احساس امنیت نقش داشته باشند. مروری بر ادبیات تحقیق نشان می دهد که از میان عوامل متعدد



روان‌شناختی، حس انسجام<sup>۱</sup> عامل شخصیتی مهمی است. مفهوم حس انسجام عبارت است از تمایل افراد به این که دنیای خود را درک کردنی، اداره شدنی و بامعنا ببینند (کراوتز، دروری و فلورین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳). حس انسجام پایین در افراد منجر به فقدان معنا و اهداف در زندگی، حس بی‌عدالتی، اختلال در تعاملات اجتماعی، کنترل هیجانی و تفسیر نادرست شرایط و موقعیت‌ها و درک شرایط اجتماعی به عنوان موقعیتی استرس‌آور می‌شود که همه این موارد می‌تواند منجر به خطر بالای مصرف مواد مخدر، سطوح بالای جرائم جنایی و خشونت در جامعه گردد (ریستکاری، سوراندر، رونینگ، الونهیمو و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). در زمینه نقش حس انسجام فردی در احساس امنیت تحقیق برون-لونسون و سگی<sup>۴</sup> (۲۰۱۳) نیز نشان می‌دهد که هنگام مواجهه با حملات موشکی در غزه، حس انسجام فردی یک منبع مهم مقابله صرف نظر از محل سکونت، سن و وضعیت اجتماعی اقتصادی می‌باشد. انسجام بالا یک منبع مقابله قوی در برابر حملات موشکی بود. بنابراین، به نظر می‌رسد تمرکز و تقویت بر منابع مقابله شخصی مثل حس انسجام به منظور آماده‌سازی افراد برای روبرو شدن با موقعیت‌های استرس‌آور مهم و ضروری باشد. همچنین نیازهای بنیادی روان‌شناختی<sup>۵</sup> و عدم ارضای آن‌ها، به عنوان یک متغیر روان‌شناختی ممکن است نقش به‌سزایی بر سلامت روانی و آرامش فرد در محیط اجتماعی ایفا نماید. بر اساس دیدگاه دسی و رایان<sup>۶</sup> (۲۰۰۰) تأمین نیازهای بنیادی روان‌شناختی در افزایش شاخص‌های بهزیستی روان‌شناختی مانند سرزندگی و رضایت از زندگی، تاب‌آوری، اعتماد به نفس اهمیت به‌سزایی دارند (چیرکو، رایان و شلدون<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱؛ کوزوکو و سیمسک<sup>۸</sup>، ۲۰۱۳) و نوسانات در میزان ارضای نیازهای مذکور به‌طور مستقیم تغییرات در میزان بهزیستی شخص را پیش‌بینی می‌کند. در این تئوری بر خودنظم‌دهی و بهزیستی افراد تأکید شده است و در نهایت سه نیاز ذاتی روان‌شناختی شایستگی، خودمختاری و ارتباط با دیگران را معرفی می‌کند که

1. Sense of Coherence
2. Kravetz, Drory & Florian
3. Ristkari, Sourander, Ronning, Elonheimo & et all
4. Braun-Lewensohn, & Sagy
5. Basic Psychological Needs
6. Deci & Ryan
7. Chirkov, Ryan & Sheldon
8. Kuzucu & Simsek



تأمین آن‌ها منجر به افزایش خود انگیزشی و سلامت روانی می‌شود. هرکدام از این سه نیاز، در رشد بهینه فرد نقش حیاتی دارند و در صورتی که هرکدام از آن‌ها مورد غفلت واقع شوند و نیروهای فرهنگی، موقعیتی و درون روانی تحقق این نیازهای اساسی را مسدود کنند، احتمال بروز پیامدهای منفی نظیر بیماری‌ها و اختلال‌ها وجود خواهد داشت و احساس بد بودن را افزایش می‌دهند (دسی و رایان، ۲۰۰۰). در مجموع با توجه به این که احساس امنیت پدیده‌ای روان‌شناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد، لازم است نقش عوامل روان‌شناختی مؤثر بر آن نیز مورد بررسی قرار گیرند؛ بنابراین، با توجه به این که تحقیقات اندکی در این زمینه انجام شده است، این پژوهش با نگاهی روان‌شناختی سعی در جستجوی علل و مکانیزم‌های دارد که میزان احساس امنیت را تبیین کرده و با بهره‌گیری از آن زمینه ارتقای آرامش روانی و احساس امنیت عمومی افراد را فراهم نماید. بر این اساس، هدف از اجرای این پژوهش تعیین و تبیین نقش متغیرهای روان‌شناختی حس انسجام فردی و نیازهای بنیادی روان‌شناختی در احساس امنیت عمومی شهروندان شهری می‌باشد.

## فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های این پژوهش عبارتند از:

۱. بین حس انسجام فردی و احساس امنیت عمومی شهروندان شهری رابطه وجود دارد.
۲. بین نیازهای بنیادی روان‌شناختی با احساس امنیت عمومی شهروندان شهری رابطه وجود دارد.
۳. بین حس انسجام فردی و نیازهای بنیادی روان‌شناختی با احساس امنیت عمومی شهروندان شهری رابطه چندگانه وجود دارد.

## ادبیات پژوهشی

### ۱- نظریه حس انسجام آنتونوسکی

داشتن خصوصیات شخصی مثبت باعث می‌شود که برخی افراد علیرغم مواجهه با عوامل استرس‌زای ناتوان‌کننده از آن تأثیر نپذیرفته و برخوردار موفقیت‌آمیزی با

مسائل مختلف زندگی داشته که این امر در ایجاد اعتماد به نفس و کسب آرامش و احساس امنیت آن‌ها نقشی حیاتی دارد. یکی از متغیرهای شخصیتی بسیار مهم در این زمینه حس انسجام است. حس انسجام را به عنوان جهت گیری کلی نافذ در نظر می‌گیرد که منجر به شکل گیری باورهایی می‌شود که محرک‌های درونی و بیرونی مسیر زندگی را قابل پیش بینی و توضیح پذیر می‌پندارد. این ویژگی شخصیتی باعث می‌شود فرد از منابع و توانایی‌هایی برای مواجهه با مجموعه‌ای از این محرک‌ها برخوردار شود که منجر به ایجاد احساس ارزشمندی در مواجهه با این محرک‌ها می‌گردد. در واقع، حس انسجام هسته اصلی پردازش اطلاعات پیچیده توسط انسان است که تعارضات را حل کرده و استرس را قابل تحمل می‌سازد (آنتونوسکی<sup>۱</sup> ۱۹۸۷). حس انسجام به عنوان یک سازه شخصیتی دربرگیرنده سه مؤلفه درک پذیری<sup>۲</sup>، توانایی مدیریت<sup>۳</sup> و معناداری<sup>۴</sup> می‌باشد. درک پذیری به احساس اطمینان اشاره دارد که در آن فرد معتقد است هیچ چیز منفی یا حیرت آوری اتفاق نیفتاده و زندگی می‌تواند خوب و معقولانه و مطابق انتظار پیش رود. مؤلفه توانایی مدیریت، احساس دارا بودن منابع مورد نیاز برای حل مشکل و مبارزه با استرس‌ها را منعکس می‌کند و احساس معناداری متضمن این نکته است که چقدر فرد زندگی را با ارزش دانسته و تا چه اندازه این حس را نه تنها به لحاظ شناختی بلکه به طور هیجانی به همراه دارد (آنتونوسکی، ۱۹۹۶). از نظر آنتونوسکی افراد دارای حس انسجام قوی به طور انعطاف پذیری به شرایط واکنش نشان می‌دهند. از این رو می‌توانند منابع مناسب را که برای مقابله با انواع شرایط خاص مورد نیاز است، فعال کنند. در مقابل، افراد با حس انسجام ضعیف یا توسعه نیافته به تقاضاها و شرایط به یک شیوه سخت و انعطاف ناپذیر واکنش نشان می‌دهند و خودشان را به عنوان فردی که منابع مقابله‌ای لازم را ندارند، درک می‌کنند. به طور کلی می‌توان گفت که حس انسجام بیانگر اعتماد شخص نسبت به توانایی‌هایش برای مقابله با شرایط مختلف می‌باشد و با نگرش مثبت نسبت به زندگی همراه است و منجر به افزایش حس استقلال و خود پیروی می‌شود؛ به عبارت دیگر، زمانی که فرد نتواند به طور مناسب با مشکلات و موانع زندگی چالش کند، باور فرد نسبت به اهمیت و ارزش

1. Antonovsky

2. Comprehensibility

3. Manageability

4. Meaningfulness

و معنی دار بودن فعالیت های زندگی کمتر شده، سلامت روانی او در معرض خطر قرار می گیرد، منجر به درماندگی روان شناختی اش گشته و در نتیجه احساس امنیت کمتری می کند.

**عوامل مؤثر بر احساس انسجام:** عواملی مانند تجارب خانوادگی، رویداد استرس زا و حمایت اجتماعی بر حس انسجام فردی مؤثر هستند که در زیر ارائه می شوند:

**تجارب خانوادگی:** بر اساس نظر آنتونوسکی، حس انسجام در سن ۳۰ سالگی تثبیت می شود اما تحقیقات جدیدتر حاکی از افزایش حس انسجام در طول زندگی است. همچنین، در زمینه عوامل تأثیرگذار در شکل گیری حس انسجام، آنتونوسکی (۱۹۸۷) معتقد است که محیط خانه از نوزادی تا اوایل نوجوانی تنظیم کننده تجربیات زندگی است که حس انسجام را ایجاد می کند و بیان می کند که نگرش های والدین نسبت به فرزند پروری، وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده و تجارب مثبت در خانواده بر حس انسجام کودک تأثیرگذار است و والدین با حس انسجام بالا، فرزند با حس انسجام بالا پرورش می دهند. در مطالعه طولی که توسط فلدت، کوکو، کینونن و پالکینن<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) انجام گرفت. نتایج نشان داد که روابط خوب خانوادگی در سن ۱۴ سالگی مستقیماً با حس انسجام بالا در سن ۴۲ سالگی مرتبط است و شرکت در تصمیم گیری ها در خانه در اوایل نوجوانی و داشتن والدین با سطح تحصیلات بالا هر دو منجر به ایجاد حس انسجام بالا در بین افراد بالای ۶۵ سال می شود (ساجی و آنتونوسکی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰)؛ اما کرانز و اوسترگرن<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) در این زمینه نتایج متناقضی را گزارش داده اند که نشان می دهد وقایع دوران کودکی مانند زندگی با یکی از والدین، نداشتن خواهر و برادر و مواجهه با خشونت عامل تهدیدکننده حس انسجام ضعیف در بزرگ سالی نیست. بلکه تجارب اخیر زندگی مانند فشار شغلی، حمایت اجتماعی پایین و نداشتن شبکه های اجتماعی در بزرگ سالی پیش بینی کننده حس انسجام ضعیف است.

**رویدادهای استرس زای زندگی:** رویدادهای نامطلوب زندگی علت مشکلات روان شناختی زیادی هستند و منجر به پیامدهای منفی برای سلامتی می گردند.

1. Feldt, Kokko, Kinnunen & Pulkkinen

2. Sagy & Antonovsky

3. Kranz & Östergren



مطالعه طولی کیویماکی<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) نشان داد که رویدادهای نامطلوب زندگی مانند مرگ یا بیماری یکی از اعضای خانواده، خشونت، تعارضات بین فردی و مشکلات مالی و مشکلات روان شناختی با سطوح کاهش یافته حس انسجام برای هر دو جنس مرتبط می باشد. ریچارد و رتنر<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) نیز بیان نمودند که حس انسجام می تواند تعدیل کننده اثرات رویدادهای نامطلوب زندگی بر سلامتی باشد و نشان دادند که تجارب و رویدادهای نامطلوب مانند فروپاشی خانواده، بحران های مالی، سوء استفاده جسمی تأثیر معناداری بر وضعیت سلامتی گزارش شده در بین افراد با حس انسجام قوی ندارد. به عبارت دیگر، حس انسجام قوی به عنوان یک ضربه گیر در این زمینه عمل می کند.

**حمایت اجتماعی:** پژوهش مارش، کلینکینبرد، توماس و ایوانز<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) نشان داد که حمایت اجتماعی پیش بینی کننده قوی حس انسجام است و به طور مشابه حمایت اجتماعی اساس و مبنای بسیار مهمی در بازسازی حس انسجام افراد است. همچنین افراد با حس انسجام قوی شبکه های اجتماعی بزرگ تری دارند و حمایت اجتماعی بیشتری را دریافت می کنند (اولسون، هنسون، لاندبلد و سدربلد<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶) که منجر به سلامتی و سطوح رضایت آنها می گردد. در واقع، هم حمایت اجتماعی و هم حس انسجام زمانی که افراد با رویدادهای استرس آمیز مواجهه می شوند، با سلامت روان مرتبط است و منجر به این می شود که این افراد احساس کنترل بیشتری بر زندگی داشته، بیشتر لذت ببرند، دارای عزت نفس بالاتر و تمایل به اتخاذ دیدگاه مثبت و خوش بینانه ای داشته باشند و به طور موفقیت آمیزی با عوامل استرس زا غلبه کنند.

## ۲- نظریه خود- تعیین گری

مهم ترین رویکرد نظری که نیازهای اساسی روان شناختی را مورد بررسی قرار داده است، نظریه خود- تعیین گری<sup>۵</sup> دسی و رایان (۲۰۰۰) می باشد. اساس نظریه خود تعیین گری را نیازهای بنیادین روان شناختی تشکیل می دهند که به عنوان انرژی

1. Kivimäki

2. Richardson & Ratner

3. Marsh, Clinkinbeard, Thomas & Evans

4. Olsson, Hansson, Lundblad & Cederblad

5. self-determination theory



لازم برای کمک به چالش فعال با محیط، پرورش مهارت‌ها و رشد سالم در نظر گرفته می‌شود. این نظریه بانفوذترین چارچوب برای درک ویژگی‌های اساسی افراد خودمختاری است که بدون بیگانه شدن از جامعه قادر به تعیین راه و هدف زندگی‌شان می‌باشند. نظریه خود-تعیین‌گری یک نظریه عمومی در باب انگیزه انسان است که سه نیاز ذاتی روان‌شناختی شایستگی<sup>۱</sup>، خودمختاری<sup>۲</sup> و ارتباط با دیگران<sup>۳</sup> را معرفی می‌کند که ارضاء شدن آن‌ها منجر به افزایش خود انگیزی، خودنظم‌دهی، بهزیستی و سلامت روانی می‌گردد و اگر مانعی بر سر راه آن‌ها ایجاد شود، بهزیستی فرد و انگیزه او کاهش می‌یابد. ارضای این نیازها منجر به رشد بالقوه در همه قلمروهای زندگی می‌شود. شرح کامل این نیازها در زیر ارائه شده است:

**شایستگی:** منظور از شایستگی، احساس خودکارآمدی در فعالیت‌ها است که هدف آن انسجام بخشی به خود می‌باشد. دسی و رایان (۲۰۰۰) شایستگی را به عنوان تمایل ذاتی انسان برای احساس موثر بودن در تعامل با محیط، کشف و دست‌کاری محیط، درگیر شدن در کارهای چالش برانگیز و گسترش مهارت‌های فرد تعریف می‌کنند. ارضای نیاز شایستگی به افراد اجازه می‌دهد تا با محیط پیچیده و دائم در حال تغییر منطبق شوند در حالی که فقدان شایستگی منجر به احساس ناامیدی و فقدان انگیزه می‌شود. این مؤلفه نیازهای بنیادی روان‌شناختی شباهت زیادی به مفهوم خودکارآمدی بندورا دارد.

**خودمختاری:** خودمختاری به معنای اسناد درونی رفتار است و به اراده و اختیار فرد اشاره می‌کند. در واقع، خودمختاری همان نیاز به آزادی در انتخاب است. از دیدگاه روانکاوی، خودمختاری فردی، به عنوان استقلال از دیگران تعریف شده است که برای رشد سالم انسان ضروری است و تجربه کردن حس انتخاب و آزادی روان‌شناختی در حین انجام فعالیت است (دسی و رایان، ۲۰۰۰) و به طور کلی به این معناست که فرد بتواند بر اساس معیارها و عقاید خویش عمل و زندگی کند، حتی اگر برخلاف عقاید و رسوم پذیرفته شده در جامعه باشد.

**رابطه با دیگران:** منظور از ارتباط با دیگران، برقراری ارتباط صمیمی و گرم با

1. Competence  
2. Autonomy  
3. Relatedness



سایر افراد را می‌رساند و ناشی از این واقعیت است که انسان موجودی اجتماعی است که نیاز به عشق و صمیمیت دارد. نیاز به ارتباط به عنوان تمایل ذاتی افراد به عضو یک گروه بودن و حس تعلق داشتن به جامعه و نیاز به دوست داشتن و مراقبت کردن و دوست داشته شدن و مراقبت شدن تعریف می‌شود. این حس زمانی ایجاد می‌شود که افراد صمیمیت و همدلی را تجربه و روابط نزدیک و صمیمانه را با دیگران برقرار کنند (دسی و رایان، ۲۰۰۰). این جنبه اجتماعی - ارتباطی بهزیستی و نیازهای بنیادی، دربرگیرنده بالا و پایین شدن‌های روابط و تعاملات اجتماعی و بین فردی است. به این معنا که روابط می‌تواند از یک رابطه شدیداً عاشقانه و صمیمی تا روابطی پر از مشکل و ناراحتی در نوسان باشد. از بین این سه نیاز بنیادی روان‌شناختی، نیاز به ارتباط به طور گسترده‌ای با محرومیت و طرد اجتماعی تصور شده که منجر به شکست فرآیند خود-تنظیمی می‌شود، ارتباط دارد (مولر و لاور، ۲۰۱۳).

هرکدام از این سه نیاز، در رشد بهینه فرد نقش حیاتی دارند و در صورتی که هرکدام از آن‌ها مورد غفلت واقع شوند و نیروهای فرهنگی، موقعیتی و درون روانی تحقق این نیازهای اساسی را مسدود کنند، احتمال بروز پیامدهای منفی نظیر بیماری‌ها و اختلال‌ها وجود خواهد داشت و احساس بد بودن را افزایش می‌دهند (دسی و رایان، ۲۰۰۰). نظریه خود-تعیین‌گری همچنین تصریح می‌کند که برای تحقق بهزیستی روان‌شناختی هر سه نیاز باید برآورده شوند و ارضای یک یا دو نیاز از سه نیاز بنیادی، سلامت روانی را تضمین نمی‌کند و حتی می‌تواند آسیب‌زا باشد. زمانی که نیازهای بنیادی روان‌شناختی خنثی باشند، افراد در فرآیند خود-تنظیمی شکست می‌خورند که منجر به اثرات سوئی مانند استفاده از راهبردهای مقابله‌ای ضداجتماعی و رفتارهای خود-شکست‌دهی در آن‌ها می‌شود (دسی و رایان، ۲۰۰۰).

بر اساس نظریه خود-تعیین‌گری، بافت اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی بر میزان برآورده شدن نیاز به خودمختاری، شایستگی و ارتباط تأثیر می‌گذارد. درواقع، زمانی که رئیس، معلمان و والدین به نظرات فرد گوش داده و حمایت‌کننده انتخاب‌هایشان هستند افراد رضایت بیشتری از این نیازها نسبت به زمانی که این

شخصیت های مقتدر به صورت روانی آن ها را کنترل می کنند، دارند. مطابق با این نظریه، چنانچه محیط در مواجهه با افراد به آن ها حق تعقل، شناخت و انتخاب اعمال و رفتارها را دهد، نیاز به شایستگی و ارتباط آن ها را به صورت نامشروط و به دور از تبعیت از شروط و قواعدی معین ارضاء کند، سبب می شود تا افراد نه برای کسب پاداش ها یا اجتناب از تنبیهات بیرونی (انگیزش بیرونی) و اجتناب از احساس گناه و اضطراب (انگیزش درون فکنی شده) بلکه برای کسب لذت موجود در خود رفتار (انگیزش ذاتی) به پیگیری و انجام رفتارها پردازند (دسی و رایان، ۲۰۰۰). همچنین، محیط ها، روابط، موقعیت های اجتماعی و فرهنگ هایی که نیاز به خودمختاری را ارضاء کنند، حامی خودمختاری نامیده می شوند اما در صورتی که نیاز افراد به خودمختاری را نادیده بگیرند و آن را ناکام کنند، کنترل کننده نامیده می شوند. در واقع محیط های حامی خودمختاری افراد را ترغیب می کنند هدف های خود را، خود تعیین و از روش خود برای رسیدن به این اهداف استفاده کنند و به طور کلی تمایلات و ارزش های خود را دنبال کنند. این نظریه بیان می کند که محیط های حمایت کننده خودمختاری موجب برآورده شدن این سه نیاز روان شناختی اساسی می شوند (ریو<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳؛ به نقل از قلاوندی، امانی ساری و بابایی سنگلجی، ۱۳۹۱).

### ۳- نظریه های احساس امنیت

**نظریه گیدنز در مورد امنیت:** گیدنز<sup>۲</sup> امنیت را مصونیت در برابر خطر تعریف کرده است. در نظر گیدنز، خطر و امنیت دو روی يك سکه را تشکیل می دهند، به گونه ای که وقتی روی امنیت در دست است، خطر از بین می رود و بالعکس زمانی که با خطر دست و پنجه نرم می کنیم، امنیت مغشوش و پنهان است. سپس، او به طرح امنیت وجودی به عنوان یکی از صورت های مهم امنیت پرداخته است و از ضرورت امنیت وجودی برای مقاومت در برابر هجوم گسترده و بی سابقه مخاطرات نهادهای مدرنیته سخن می گوید (مستوفی، ۱۳۹۲). از نظر وی احساس اعتمادپذیری افراد برای احساس امنیت وجودی، اهمیت بنیادی دارد. این امنیت، نه يك پدیده شناختی، بلکه پدیده ای عاطفی است که در ناخود آگاه ریشه دارد. در این تعریف بر دو بعد احساسی و اجتماعی امنیت تأکید شده است.

1. Rio

2. Giddens

## امنیت از دیدگاه روان شناسان: به نظر لینگ<sup>۱</sup>، ناامنی وجودی (روانی) باعث

به وجود آمدن ناامنی در روابط با دیگران می شود و سه نوع اضطراب در ارتباط با دیگران به وجود می آورد که عبارت اند از غرقه شدن، گسیختگی روانی، تحجر شخصیت و شخصیت زدایی (مستوفی، ۱۳۹۲). اریک فروم<sup>۲</sup>، نیز معتقد است ناامنی رابطه تنگاتنگی با زندگی انسان و حتی موجودیت او دارد و بیان می کند که هر چه محیط انسان پیشرفته تر و پیچیده تر باشد این احساس ناایمنی شدیدتر می شود. در چنین جوامعی برآوردن مقدماتی ترین نیازهای فیزیولوژیک اگر هم ناممکن نباشد، دشوار است. همچنین مزلو بیان می دارد که ناامنی یک نشانه عمده بیماری روانی است و می گوید افراد ناامن، نامتعادل اند. شخصی که دائماً احساس عدم امنیت، ترس و خطر می کند، نمی تواند انسان سالمی باشد. او با پرخاشگری و یا اضطراب واکنش نشان داده و در دنیای ذهنی خود، مدام در حال دفع خطرات احتمالی است. به نظر مزلو افرادی که در روابط اجتماعی ناایمن هستند، نسبت به دیگران احساس تنفر و دشمنی می کنند و احساس تنهایی و انزوا نموده و از اجتماع دوری می جویند (قدیمی و قاسمی، ۱۳۹۱).

## پیشینه تحقیق

مرادی پردنجانی، صادقی، توکلی و قاسمی (۱۳۹۲) در پژوهشی باهدف بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و روان شناختی بر احساس امنیت اجتماعی دریافتند که از بین متغیرهای روانی اجتماعی رضایتمندی جوانان از پلیس، انگیزه مشارکت جوانان با پلیس، حمایت پلیس از جوانان و احساس تعلق جوانان، انگیزه دانش آموزان برای مشارکت با پلیس و حمایت پلیس از جوانان با احساس امنیت اجتماعی رابطه معنی داری و مثبتی وجود دارد. آقایوسفی و شریف (۱۳۸۹) در پژوهشی باهدف تعیین رابطه بین حس انسجام و بهزیستی روانی در دانشجویان، نشان دادند که هفتاد درصد واریانس کل مربوط به حس انسجام به وسیله متغیر بهزیستی روانی بیان می شود. بهزیستی روانی می تواند واریانس حس انسجام دانشجویان را به طور معنی دار تفسیر کند و ضریب تأثیر بهزیستی روانی نشان داد که این متغیر با اطمینان ۰/۹۹ می تواند تغییرات مربوط به حس انسجام را تعیین کند. همچنین،

1. Laing

2. Erik Fram

نتایج نشان داد که در کل نمونه دانشجویان دختر بهزیستی روانی بالاتری نسبت به دانشجویان پسر دارند، در حالی که دانشجویان پسر حس انسجام بالاتری نسبت به دانشجویان دختر دارند. هجداهل، مگنوس، مدالا، هاجن و لانگلد<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) در پژوهشی باهدف بررسی پریشانی هیجانی و احساس انسجام زنان شرکت کننده در یک برنامه انگیزشی معتبر در مؤسسات تأدیبی، دریافتند که افزایش احساس انسجام با کاهش پریشانی هیجانی ارتباط دارد. برون- لونسون و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی این سؤال پرداختند که آیا بین منابع حمایتی و واکنش به استرس ارتباط وجود دارد؟ نتایج این محققان نشان داد که بین احساس انسجام و استرس و خشم ارتباط قوی وجود دارد. به این معنی که هنگام مواجهه با حملات موشکی در غزه حس انسجام فردی یک منبع مهم مقابله صرف نظر از محل سکونت، سن و وضعیت اجتماعی اقتصادی می باشد و انسجام بالا یک منبع مقابله ای قوی در برابر حملات موشکی است. (مولیکس و نیچولس<sup>۲</sup> ۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان ارضای نیازهای بنیادین روان شناختی به عنوان میانجی بین عزت نفس اجتماعی و بهزیستی به بررسی مکانیزم موجود بین عزت نفس اجتماعی با سلامت روان پرداختند. آن ها دریافتند که ارضای نیازهای بنیادین روان شناختی متغیر میانجی بین عزت نفس اجتماعی و بهزیستی می باشد.

به طور کلی مبانی نظری و پژوهشی نشان می دهد که تحقیقات خیلی کمی به بررسی کاربرد نظریه های خود تعیین گری و احساس انسجام در احساس امنیت پرداخته و از نقش عوامل روان شناختی مانند احساس انسجام فردی و ارضای نیازهای روان شناختی در احساس امنیت عمومی غافل مانده اند.

## روش تحقیق

این پژوهش یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق تمامی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر ساری بودند (۲۹۶۴۱۷ نفر). از این جامعه آماری برای تعیین روایی و پایایی ابزارهای تحقیق نمونه ای به حجم ۵۰ نفر به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. به این صورت که از بین کوچه های منطقه یک در شهر ساری یک کوچه انتخاب و واحدهای مسکونی آن به عنوان

1. Höjdahl, Magnus, Mdala, Hagen, & Langeland  
2. Molix, & Nichols



نمونه در نظر گرفته شد. سپس پرسشنامه‌ها در بین ۵۰ واحد مسکونی توزیع شد. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش ۳۰۵ نفر بر اساس جدول کرجسی و مورگان<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای برگزیده شدند. در این روش ابتدا شهر ساری با توجه به نقشه جغرافیایی به ۳ منطقه تقسیم شد و از هر منطقه ۳ محله و از هر محله ۹ کوچه و از هر کوچه ۴ تا ۵ خانه مسکونی به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس، با مراجعه به درب منازل از شهروندان دعوت به همکاری به عمل آمد. ۱۰۳ نفر از نمونه پژوهش مرد و ۲۰۲ نفر زن با دامنه سنی ۱۸ تا ۵۵ سال بودند. همچنین، میانگین و انحراف معیار سن شرکت کنندگان در این پژوهش به ترتیب ۳۰/۲۷ و ۹/۴۶ بود. در این پژوهش از سه ابزار حس انسجام فردی، نیازهای بنیادی روان‌شناختی و احساس امنیت عمومی به شرح زیر استفاده شد:

### مقیاس حس انسجام فردی - فرم ۱۳ ماده‌ای

مقیاس حس انسجام فردی لویکیکس، گوسنز، آپرس، راسات و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) حاوی ۱۳ سؤال هفت گزینه‌ای است که از ۱ تا ۷ درجه بندی می‌شود و ۵ سؤال مربوط به درک پذیری، ۵ سؤال مربوط به توانایی مدیریت و ۳ سؤال مربوط به معناداری می‌باشد. در این مقیاس حداقل و حداکثر نمره قابل اخذ برای آزمودنی بین ۲۹ تا ۹۱ است و نمره بالا نشان‌دهنده سطح بالایی از حس انسجام می‌باشد. لویکیکس و همکاران (۲۰۱۲) ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۷۳ اسپادوتی - دنتز، سیلوا و سیل<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) ۰/۷۸ گزارش کردند. در ایران محمدزاده، پورشریف و علیپور (۲۰۱۰) پرسشنامه مذکور را پس از ترجمه بر روی دانشجویان ایرانی هنجاریابی کردند که آلفای کرونباخ پرسشنامه در دانشجویان پسر، دختر و کل نمونه به ترتیب ۰/۷۵ و ۰/۷۸ و ۰/۸۸ روایی هم‌زمان این مقیاس با پرسشنامه سرسختی روان‌شناختی ۰/۵۴ به دست آوردند. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۸ و ضریب روایی هم‌زمان آن با مقیاس ۲۹ سؤالی آنتونسکی (۱۹۸۷)، ۰/۵۹ به دست آمده است که از لحاظ آماری معنادار می‌باشد.

1. Krejcie, & Morgan  
2. Luyckx, Goossens, Apers, Rassart, & et all  
3. Spadoti-Dantas, Silva, & Ciol



## مقیاس نیازهای بنیادی روان شناختی

در این پژوهش برای اندازه گیری نیازهای بنیادی از مقیاس رضایت از نیازهای روان شناختی لاگاردیا، ریان، کوچمن و دسی<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) استفاده شد. این مقیاس دارای ۹ ماده می باشد و ارضای سه نیاز روان شناختی بنیادی ارتباط، شایستگی و خودمختاری را اندازه می گیرد. نمره گذاری مقیاس به صورت لیکرتی از کاملاً غلط = ۱ تا کاملاً درست = ۷ است و نمره بالا در کل مقیاس و هر خرده مقیاس نشان دهنده ارضای نیازهای بنیادی روان شناختی می باشد. روایی و پایایی این مقیاس توسط تحقیقات گذشته مورد قبول گزارش شده است. لاگاردیا و همکاران (۲۰۰۰) با استفاده از تحلیل عاملی سه عاملی بودن این مقیاس را مورد تأیید قرار دادند. پایایی این آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ توسط کایدکورد، ملتفت و چیناوه<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) ۰/۶۲ گزارش شده است. بشارت و رنجبر کلاگری (۱۳۹۲) نیز روایی و اعتبار پرسشنامه ۲۱ سؤالی را مورد بررسی قرار داده اند که روایی همگرا و تشخیصی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان شناختی را تأیید می کنند. همچنین، آن ها ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان شناختی را به ترتیب برای سه خرده مقیاس ارتباط، شایستگی و خودمختاری ۰/۸۷ و ۰/۸۳ و ۰/۹۱ به دست آورده اند. در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲ و ضریب روایی هم زمان آن با پرسشنامه ۲۱ سؤالی نیازهای بنیادی جانستون و فینی<sup>۳</sup> (۲۰۱۰)، ۰/۵۱ به دست آمده است که از لحاظ آماری معنادار می باشد.

## مقیاس احساس امنیت عمومی

مقیاس احساس امنیت عمومی میگیلورینی، زاینوپیرماری<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) ابزاری برای سنجش احساس امنیت در منطقه ای است که افراد در آن زندگی می کنند. این مقیاس ۱۲ سؤال دارد و به صورت لیکرتی ۱۰ درجه ای از ۱ تا ۱۰ درجه بندی می شود. نمره بالا در این مقیاس نشان دهنده احساس امنیت بالا می باشد. روایی و پایایی این ابزار تاکنون در ایران مورد بررسی قرار نگرفته است. در پژوهش حاضر، در مرحله اول جهت بررسی روایی زبان شناختی ابتدا با استفاده از روش ترجمه

1. laGurdia, Ryan, Couchman, & Deci

2. Kaydkhorde, Moltafet, & Chinavch

3. Johnston, & Finney

4. Miglioni, Rania, Cardinali & Manetti



پیش رونده - پس رونده<sup>۱</sup> (ترجمه باز ترجمه)، نسخه اصلی انگلیسی توسط دو نفر مسلط به ترجمه متون روان شناسی، به زبان فارسی ترجمه گردید. سپس ترجمه ها با هم مقایسه و سؤالات از نظر معنایی و مفهومی با هم تطبیق داده شدند. نهایتاً یک نسخه فارسی از این ابزار تهیه گردید. سپس برای اطمینان کامل از مطابقت ترجمه فارسی با متن اصلی و رسایی جملات متن فارسی، نسخه ترجمه شده اولیه توسط دو مترجم دیگر مسلط به زبان انگلیسی که قبلاً پرسشنامه اصلی را ندیده بودند، به زبان اصلی برگردانده شد. در این مرحله نسخه های انگلیسی با هم مقایسه گردید. پس از حصول اطمینان از موفقیت آمیز بودن مراحل فوق، به منظور بررسی روایی هم زمان، این ابزار به همراه پرسشنامه ۴ سؤالی احساس امنیت فیور، آستین، کریز و اسموگر<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) بر روی ۵۰ نفر به صورت هم زمان اجرا شد که نتایج ضریب همبستگی پیرسون این ابزار ۰/۶۰ به دست آمده است که از لحاظ آماری معنادار بود. در پایان جهت بررسی پایایی این ابزار از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن ۰/۷۶ به دست آمد.

## یافته ها

توزیع فراوانی شرکت کنندگان پژوهش برحسب گروه های سنی نشان می دهد که ۱۷۴ نفر بین ۱۸ تا ۳۰ سال، ۹۰ نفر بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۴۱ نفر بین ۴۱ تا ۵۵ سال قرار داشتند. همچنین، ۳۴ نفر از شرکت کنندگان دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۷۶ نفر فوق دیپلم و ۱۹۵ نفر از شرکت کنندگان دارای مدرک لیسانس و بالاتر بودند. جدول شماره ۱ شاخص آماری مانند میانگین، انحراف معیار و ضریب همبستگی پیرسون را برحسب متغیرهای مورد مطالعه نشان می دهد. همان طور که مشاهده می شود، ضریب همبستگی بین نمره حس انسجام فردی و نمره ارضای نیازهای بنیادی روان شناختی با احساس امنیت عمومی به ترتیب ۰/۶۱ و ۰/۵۱ می باشد که همگی در سطح ۰/۰۱ معنی دار هستند.

1. Forward-Backward Translation  
2. Furr, Austin, Cribbs & Smoger



جدول ۱. یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش



احساس امنیت عمومی		کل نمونه		شاخص	مقیاس
P	R	انحراف معیار	میانگین		
۰/۰۰۱	۰/۵۸	۶/۴۹	۲۳/۳۴	درک پذیری	حس انسجام فردی
۰/۰۰۱	۰/۵۵	۴/۷۳	۱۸/۴۲	توانایی مدیریت	
۰/۰۰۱	۰/۵۲	۴/۴۸	۲۰/۰۰	معناداری	
۰/۰۰۱	۰/۶۱	۱۴/۱۹	۶۱/۷۷	میانگین کل	
۰/۰۰۱	۰/۴۵	۳/۱۲	۱۴/۱۶	ارتباط	ارضای نیازهای روان شناختی
۰/۰۰۱	۰/۴۴	۲/۹۰	۱۴/۵۱	شایستگی	
۰/۰۰۱	۰/۳۸	۲/۹۷	۱۴/۷۸	خودمختاری	
۰/۰۰۱	۰/۵۱	۷/۴۵	۴۳/۴۶	میانگین کل	
---	---	۱/۵۴	۷۴/۲۶	احساس امنیت عمومی	

قبل از انجام تحلیل رگرسیون چندگانه، با توجه به این که مقدار چولگی<sup>۱</sup> و کشیدگی<sup>۲</sup> متغیرهای پژوهش به ترتیب در حس انسجام فردی (۰/۴۰۰- و ۰/۲۴۴)، ارضای نیازهای بنیادین روان شناختی (۰/۲۳۷- و ۱/۴۵) و احساس امنیت عمومی (۰/۰۸۸- و ۰/۶۰۱-)، در بازه ۰، ۲ و ۲- قرار دارد، نشان می‌دهد که این شاخص‌ها از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند و مفروضه نرمال بودن متغیرها رعایت شده است. مفروضه استقلال متغیرهای مستقل نیز توسط آزمون دوربین واتسون برابر با ۱/۹۲ به دست آمده است که نشان از استقلال متغیرهای پیش بین دارد.

1. skewness  
2. kurtosis

جدول ۲. ضریب رگرسیون بین حس انسجام فردی و ارضای نیازهای بنیادی روان شناختی بر احساس

امنیت عمومی

معنی داری	F آماره	خطای معیار تخمین	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی
۰/۰۰۱	۱۱۷/۴۹	۱۱/۶۵	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۶۶

۱۵۹

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود، نتایج ضریب رگرسیون نشان داد که میزان R یا ضریب رگرسیون ۰/۶۶ است و استفاده از آزمون F نشان داد که این مقدار در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار می باشد. این امر نشان دهنده وجود رابطه معنی دار بین نمره کل حس انسجام فردی و نمره کل ارضای نیازهای بنیادی روان شناختی با احساس امنیت عمومی می باشد. میزان  $R^2$  یا ضریب تعیین رگرسیون چندگانه نیز برابر ۰/۴۳ می باشد. این مقدار بیانگر آن است که ۴۳ درصد تغییرات احساس امنیت عمومی ناشی از متغیرهای پیش بین و مابقی ناشی از عوامل ناشناخته دیگر می باشد.

جدول ۳. محاسبه ضریب بتا و سطح معنی داری حس انسجام فردی و ارضای نیازهای بنیادی

روان شناختی برای احساس امنیت عمومی

سطح معنی داری P	مقدار T	ضریب استاندارد شده	ضریب استاندارد نشده		مدل
		Beta	خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۱	۹/۵۷	۰/۴۷۸	۰/۰۵۴	۰/۵۲۱	حس انسجام فردی
۰/۰۰۱	۵/۵۳	۰/۲۷۶	۰/۱۰۴	۰/۵۷۴	ارضای نیازهای روان شناختی

برای مشخص کردن سهم نسبی هر یک از متغیرهای پیش بین در پیش بینی متغیر ملاک از ضریب بتا استفاده شد. با این ضریب می توانیم تعیین کنیم که کدام یک از متغیرهای حس انسجام فردی و ارضای نیازهای بنیادی روان شناختی بیشترین تأثیر را بر متغیر ملاک یعنی احساس امنیت عمومی دارد. همان طور که در جدول ۳ مشاهده می شود، ضریب بتا برای حس انسجام فردی ( $P/0.01 =$

( $B=0/478$ ) و ارضای نیازهای بنیادی روان‌شناختی ( $P=0/001$ ,  $B=0/276$ ) می‌باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که حس انسجام فردی قوی‌ترین پیش‌بین کننده احساس امنیت عمومی می‌باشد.

## نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه حس انسجام فردی و نیازهای بنیادی روان‌شناختی در احساس امنیت عمومی شهروندان شهر ساری بود. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین حس انسجام فردی و احساس امنیت عمومی شهروندان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $R=0/61$ ,  $P=0/001$ ). این یافته همسو با یافته اوشیو و اوراکوا<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت حس انسجام فردی به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی تعریف می‌شود که نقش بسیار مهمی در احساس امنیت و ایمنی از منطقه اجتماعی دارد (بیوس، دهنانی، مک‌کارد<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵) و به‌عنوان یک عامل مشخص در کاهش پریشانی، افراد را قادر می‌سازد در موقعیت‌های استرس‌زا سالم مانده و مقاومت بیشتری از خود نشان دهند. در واقع حس انسجام اثر مطلوبی در پاسخ افراد به موقعیت‌های استرس‌زای گوناگون دارد و در درک افراد از دنیا و رویدادهایی که در آن اتفاق می‌افتد و مدیریت رویدادها نیز نقش دارد. افراد دارای حس انسجام پایین موقعیت‌های استرس‌زا را به‌عنوان یک تهدید قلمداد می‌کنند و ممکن است مضطرب شوند. حس انسجام یک منبع مقاومت تعمیم‌یافته‌ای است که اثرات استرس را بر سلامتی تعدیل می‌کند. این تعدیل از این طریق انجام می‌گیرد که حس انسجام روش‌های سودمند و مفیدی از مقابله با عوامل استرس‌زا را در اختیار افراد قرار می‌دهد و از این رو افراد را قادر می‌سازد تا در برابر اثرات استرس‌های زندگی مقاومت بیشتری از خود نشان دهد. در واقع، حس انسجام یک عامل محافظتی در برابر تضعیف روحیه در زمینه‌های بحرانی و جدی است و با کاهش خطر ابتلا به بیماری‌های روانی همراه است (کوانن، وانانن، وهترا، هیپونیمی، کاسکینن و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰)؛ بنابراین طبق نظر آنتونسکی افراد زمانی احساس انسجام خواهند داشت که زندگی‌شان معنادار، کنترل‌پذیر، قابل درک

1. Oshio & Urakawa

2. Beus, Dhanani & McCord

3. Kouvonen, Väänänen, Vahtera, Heponiemi, Koskinen, & et all

باشد. این مسئله این موضوع را روشن می سازد که هرچه افراد زندگی معنادارتر، منظم، استوارتر و قابل درک تری در اجتماع داشته باشند احساس امنیت عمومی بیشتری خواهند داشت و هرچه زندگی شان بی نظم و غیرقابل کنترل و بی معنا باشد احساس امنیت عمومی کمتری خواهند داشت.

همچنین، نتایج ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۲ نشان می دهد که رابطه مثبت و معنادار بین ارضای نیازهای بنیادی روان شناختی با احساس امنیت عمومی بود ( $P = 0/001, R = 0/51$ ). در این زمینه پژوهشی یافت نشد. در تبیین این یافته می توان گفت در صورتی که نیازهای بنیادی روان شناختی برآورده شوند، احساس اعتماد به نفس و خود ارزشمندی در افراد شکل می گیرد؛ اما در صورت ممانعت از برآورده شدن این نیازها فرد درکی شکننده، منفی، بیگانه و انتقادآمیز از خود خواهد داشت (چن و جانگ، ۲۰۱۰). مطابق با این استدلال، ارضای نیازهای روان شناختی می تواند رابطه مثبتی با شاخص احساس امنیت داشته باشد، چراکه، بر اساس نظریه خود-تعیین گری که یکی از نظریه های مهم در مورد ارضای نیازهای روان شناختی می باشد چنانچه جامعه در مواجهه با افراد به آن ها حق تعقل، شناخت و انتخاب اعمال بدهد، نیاز به شایستگی و ارتباط آن ها را به صورت نامشروط ارضاء کند و منجر به مشارکت افراد گردد، سبب می شود افراد احساس بهتری نسبت به امنیت در محیط اجتماعی داشته باشند. در واقع، بر اساس این نظریه می توان استدلال کرد که ارضای نیازهای روان شناختی مانند شایستگی، خودمختاری و ارتباط با دیگران می تواند منجر به افزایش خودنظم دهی، بهزیستی، خود انگیزی، سلامت روانی و آرامش فرد در محیط اجتماعی و به طور کلی احساس امنیت روانی و عمومی گردد. علاوه بر آن، همان طور که در جدول ۳ نشان داده شده است نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای حس انسجام فردی و نیازهای بنیادی روان شناختی ۰/۴۳ درصد از واریانس احساس امنیت عمومی را تبیین می کنند که در این میان حس انسجام فردی بهترین پیش بینی کننده احساس امنیت عمومی است. بنا بر نظر آنتونوسکی (۱۹۸۷) مفهوم حس انسجام، ادراک افراد مبنی بر این که رویدادهای استرس زای زندگی را به صورت آشفته و غیرقابل درک و یا منسجم و قابل درک ببینند، تحت تأثیر قرار می دهد. افراد با حس انسجام بالا، موقعیت های

زندگی را به صورت چالش برانگیز و نه تهدیدکننده و اضطراب‌انگیز تجربه می‌کنند و آمادگی بیشتری برای غلبه بر مشکلات دارند و نگرش‌های شناختی و هیجانی مثبتی به زندگی و محیط اجتماعی و چالش‌های آن دارند. در واقع حس انسجام بیانگر اعتماد شخص نسبت به توانایی‌هایش برای مقابله با شرایط مختلف است و به عنوان ضربه‌گیر رویدادهای استرس‌زای زندگی مطرح شده که منجر به افزایش حس استقلال، خود پیروی و شایستگی شده و بامعنا دهی به زندگی و ارزش‌های فردی همراه می‌گردد و می‌تواند منجر به افزایش احساس امنیت عمومی در جامعه گردد. حس انسجام، نگرش فرد به وقایع استرس‌زا را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که کمترین هیجان‌های منفی را تجربه کند و منابع انرژی درونی فرد را به جای این که صرف تعدیل هیجان‌های منفی شود، در جهت بهبود شرایط و استفاده از فرصت‌ها و امکانات موجود هدایت می‌کند (کانتینن، هوکالا و یوتلا، ۲۰۰۸). همچنین، افراد با حس انسجام بالا معتقدند که منابع لازم را برای مقابله با شرایط و تقاضاهایی که محیط بر آن‌ها تحمیل کرده است را دارا هستند، در نتیجه خود و محیط را معنادار و اداره‌شدنی می‌بینند و از اعتماد به نفس و احساس امنیت بیشتری در جامعه برخوردارند و به راحتی خود را نسبت به تهدیدات و شرایط منطبق می‌کنند.

## محدودیت‌ها

با توجه به اینکه داده‌ها از شهر ساری جمع‌آوری شده است، مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر عدم امکان تعمیم‌پذیری یافته‌ها می‌باشد. بنابراین، در تعمیم آن به سایر مناطق باید احتیاط کرد.

## پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده از نقش مثبت حس انسجام در احساس امنیت عمومی شهروندان، پیشنهاد می‌شود نهادهای ذیربط با برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای شهروندان به تقویت شاخص‌های احساس انسجام فردی مانند داشتن معنا، توانایی مدیریت و درک‌پذیری شهروندان پرداخته و از این طریق منجر به تقویت منابع مقابله‌ای شخصی گشته و زمینه را برای روبرو شدن شهروندان با موقعیت‌های استرس‌زا در جامعه و احساس امنیت عمومی فراهم نمایند.



۱۶۳

با توجه به نتایج به دست آمده از نقش مثبت ارضای نیازهای روان شناختی در احساس امنیت عمومی شهروندان، پیشنهاد می شود نهادهای سیاسی، امنیتی و اجتماعی با اقداماتی مؤثر همچون سهم کردن شهروندان و مشارکت دادن آن ها در تصمیم گیری های مختلف و ارائه خدمات صادقانه و محترمانه به شهروندان زمینه جهت رفع نیازهای شایستگی، خودمختاری و ارتباط را فراهم نموده و منجر به احساس موثر بودن شهروندان در محیط اجتماعی، حس انتخاب و آزادی روان شناختی شهروندان و احساس تعلق اجتماعی آن ها گشته و به نوبه خود احساس امنیت عمومی شهروندان را افزایش دهند.



- احمدی، محمد. (۱۳۹۱). احساس امنیت اجتماعی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن؛ شهر سنندج. پایان نامه کارشناسی، دانشکده رفاه اجتماعی، دانشگاه تهران.
- آقا یوسفی، علیرضا و شریف، نسیم. (۱۳۸۹). بررسی همبستگی بین بهزیستی روانی و حس انسجام در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. مجله پژوهنده، شماره ۷۸، ۲۷۳-۲۷۹.
- بشارت، محمدعلی و رنجبر کلاگری، اله (۱۳۹۲). مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان شناختی: پایایی، روایی و تحلیلی عاملی. فصلنامه اندازه گیری تربیتی، شماره ۱۴، سال چهارم، ۱۴۷-۱۶۷.
- تاجبخش، غلامرضا، جوانمرد، کرم اله و طرفی، علیرضا. (۱۳۹۲). تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در شهر حمیدیه. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۳، ۱۳-۴۵.
- حمیدی فر، علیرضا و عباسی، قدرت اله. (۱۳۹۵). بررسی رابطه ترس از جرم و افکار پارانوئیدی با احساس امنیت عمومی. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۵، ۱۹۹-۲۱۹.
- رجبی پور، محمود (۱۳۸۴). درآمدی بر عوامل مؤثر بر احساس امنیت، کنکاشی بر جنبه های مختلف در جمعی از نویسندگان امنیت عمومی و پلیس. مجموعه مقالات. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- رحیمی، رسول. (۱۳۸۷). بررسی عوامل اجتماعی و امنیتی مؤثر بر احساس امنیت شهروندان منطقه ۱۷ تهران در سال ۱۳۸۷. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و فنون اطلاعات و آگاهی، دانشگاه علوم انتظامی.
- قدیمی، مهدی و قاسمی، حامد. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر محرومیت نسبی و احساس بیگانگی اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه های شهر زنجان). مجله دانش انتظامی زنجان، دوره اول، شماره ۴، ۳-۲۹.
- قلاوندی، حسن، امانی ساری، جواد و بابایی سنگلجی، محسن. (۱۳۹۱). تحلیل کانونی رابطه فرهنگ مدرسه با نیازهای روان شناختی اساسی در میان دانش آموزان. مجله اندیشه های نوین تربیتی، دوره هشتم، شماره ۴، ۹-۲۸.
- مرادی پردنجانی، حجت اله، صادقی، ستار، توکلی، عنایت اله و قاسمی، محمد





(۱۳۹۲). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و روان‌شناختی بر احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله استان چهارمحال بختیاری). فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال چهارم، شماره دهم، ۱۰۳-۱۱۶.

● مستوفی، اکرم. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت زنان (مطالعه موردی زنان شهر تهران). مجله دانش انتظامی پلیس پایتخت، دوره ششم، شماره ۳، ۶۷-۸۸.

- Antonovsky, A. (1987). Unravelling the mystery of health: How people manage stress and stay well. San Francisco: Jossey-Bass Publishers.
- Antonovsky, A. (1996). The salutogenic model as a theory to guide health promotion. *International Journal of Health Promotion*, 18-11, (1)11.
- Beus, J. M., Dhanani, L. Y., & McCord, M. A. (2015). A meta-analysis of personality and workplace safety: addressing unanswered questions. *Journal of Applied Psychology*, 98-481, (2)100.
- Braun-Lewensohn, O., & Sagy, S (2013). Community Resilience and Sense of Coherence as Protective Factors in Explaining Stress Reactions: Comparing Cities and Rural Communities during Missiles Attacks. *Community Mental Health Journal*, 49, 2.
- Braun-Lewensohn, O., Sagy, S., & Roth, G. (2010). Coping strategies among adolescents: Israeli Jews and Arabs facing missile attacks. *Journal of Anxiety, Stress and Coping*, 51-35, (1)23.
- Chen, K. C., & Jang, S. J. (2010). Motivation in online learning: Testing a model of self-determination theory. *Journal of Computers in Human Behavior*, 752-741, 26.
- Chirkov, V. I., Ryan, R. M., & Sheldon, K. M. (2011). Human autonomy in cross-cultural context: Perspectives on the psychology of agency, freedom, and well-being. Dordrecht: Springer.

- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The “what” and “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Journal of Psychological Inquiry*, 268–227 ,(4)11.
- Feldt, T., Kokko, K., Kinnunen, U., & Pulkkinen, L. (2005). The role of family background, school success, and career orientation in the development of sense of coherence. *European Psychologist*, 308-298 ,10.
- Furr, L. A, Austin D. M, Cribbs, S., & Smoger, S. (2015). the effects of neighborhood satisfaction on perception of safety among refugees from the former Soviet Union. *Journal of Sociological Spectrum*, 537-519 ,(5)25.
- Höjdahl, T., Magnus, J. H., Mdala, I., Hagen, R., & Langeland, E. (2015). Emotional distress and sense of coherence in women completing a motivational program in five countries. A prospective study. *International journal prison health*, 182-169 ,(3)11.
- Johnston, M. M., & Finney, S. J. (2010). Measuring basic needs satisfaction: Evaluating previous research and conducting new psychometric evaluations of the basic needs satisfaction in general Scale contemporary *Educational Psychology*, 296–280 ,35.
- Kaydkhorde, H., Moltafet, G., & Chinaveh, M. (2014). Relationship between Satisfying psychological needs and resilience in high-school students in Dezful Town. *Academic Journal of Psychological Studies*, 62-57 ,(1)3.
- Kivimäki, M., Vahtera, J., Elovainio, M., Lillrank, B., & Kevin, M. (2002). Death or illness of a family member, violence, interpersonal conflict, and financial difficulties as predictors of sickness absence: Longitudinal cohort study on psychological and behavioral links. *Journal of Psychosomatic Medicine*, 825-817 ,64.





- Konttinen, H., Haukkala, A., & Uutela, A. (2008). Comparing sense of coherence, depressive symptoms and anxiety, and their relationships with health in a population- based study. *Journal of Social Science & Medicine*, 2412-2410 ,66.
- Kouvonen, A. M., Väänänen, A., Vahtera, J., Heponiemi, T., Koskinen, A., Cox, S. J., & Kivimäki, M. (2010). Sense of coherence and psychiatric morbidity: A -19year register-based prospective study. *Journal of Epidemiology Community Health*, 261-255 ,(3)63.
- Kranz, G., & östergren, P. (2000). The association between violence victimisation and common symptoms in Swedish women. *Journal of Epidemiology and Community Health*, 821-815 ,54.
- Kravetz, S., Drory, Y., & Florian, V. (1993). Hardinese and sense of coherence and their relation to negative affect. *European Journal of Personality*, 244-233 ,7.
- Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and psychological measurement*, 610-607 ,30.
- Kuzucu, Y., & Simsek, O. F. (2013). Self-determined choices and consequences: The relationship between basic psychological needs satisfactions and aggression in late adolescents. *Journal of General Psychology*, 129–110 ,(2)140.
- La Guardia, J. G., Ryan, R. M., Couchman, C. E., & Deci, E. L. (2000). Within-person variation in security of attachment: A self-determination theory perspective on attachment, need fulfillment, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79 384-367.
- Luyckx, K., Goossens, E., Apers, S., Rassart, J., Klimstra, T., Dezutter, J & Moons, F. (2012). The -13item sense of coherence

- scale in Dutch-speaking adolescence and young adult: structural validity age trends and chronic disease. *Journal of Psychological Belgians*, 368-351 ,4 ,52.
- Marsh, S. C., Clinkinbeard, S. S., Thomas, R. M., & Evans, W. P. (2007). Risk and protective factors predictive of sense of coherence during adolescence. *Journal of Health Psychology*, 284–281 ,(2)12.
  - Mahammadzadeh, A., Poursharif, H., & Alipour, A. (2010). Validation of Sense of Coherence -13item scale in Iranian sample. *Procedia Social and Behavioral Sciences* 5–1451 ,5.
  - Migliorini, L, Rania, N., Cardinali, P., & Manetti, M. (2008). Sense of safety and the urban environment: A study of preadolescents and adolescents. *Journal of Medio Ambientey Comportamiento Humano*, 89-69 ,(2-1)9.
  - Molix, L. A., & Nichols, C. P. (2013). Satisfaction of basic psychological needs as a mediator of the relationship between community esteem and wellbeing. *International Journal of Wellbeing*, 34-20 ,(1)3.
  - Mueller, M. B., & Lovell, G. P. (2013). Relatedness need satisfaction in senior executive. *European Journal of Business and Social Sciences*, 135-105 ,(7)2.
  - Olsson, M., Hansson, K., Lundblad, A. M., & Cederblad, M. (2006). Sense of coherence: definition and explanation. *International Journal of Social Welfare*, 29-219 ,15.
  - Oshio, T., & Urakawa, K. (2012). Neighbourhood satisfaction, self-rated health, and psychological attributes: A multilevel analysis in Japan. *Journal of Environmental Psychology*, 417-410 ,32.
  - Richardson, C., & Ratner, P. (2005). Sense of coherence as a moderator of the effects of stressful live events on health. *Journal*





- of Epidemiology and Community Health, 984-979 ,59.
- Sagy, S., & Antonovsky, H. (2000). The development of the sense of coherence: a retrospective study of early life experience in the family. *Journal of Aging and Human Development*, 166-155 ,51.
  - Spadoti-Dantas, R. A., Silva, F.S., & Ciol, M. A. (2014). Psychometric properties of the Brazilian Portuguese versions of the-29 and -13 item scales of the Antonovsky's Sense of Coherence (SOC29- and SOC13-) evaluated in Brazilian cardiac patients. *Journal of Clinical Nursing*, 165–156 ,23.